



مصونیت دیپلماتیک از منظر فقه

پدیدآورنده (ها): جهانگیری، نبی اله

علوم قرآن و حدیث :: نشریه معارف قرآن و عترت :: پاییز و زمستان ۱۳۹۷، سال چهارم - شماره ۸

صفحات: از ۱۹۹ تا ۲۲۳

آدرس ثابت: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1575551>

تاریخ دانلود: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- تحول مفهوم مصونیت دیپلماتیک: ملاحظات امنیتی و حقوق بشری
- پناهندگی دیپلماتیک
- کنوانسیون ۱۷ ژانویه ۲۰۰۵ سازمان ملل متحد راجع به مصونیت قضائی دولتها و اموالشان
- ماهیت و قلمرو قاعده نفی عسر و حرج در فقه امامیه
- گزارش: صلاحیت دادسرا و دادگاههای عمومی و مصونیت قضایی دیپلماتیک و کنسولی
- مبانی فقهی مصلحت و جایگاه آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- مصلحت و نقش آن در استنباط احکام شرعی و حکومتی
- مسئله یابی جایگاه دین در روابط بین الملل
- شاخص های تقدیم اهم بر مهم در تراجم های اخلاقی
- عملکرد طالبان: نقض فاحش و همه جانبه حقوق بشر
- روش شناسی فقه سیاسی شیعه
- اخلاق و سیاست بین الملل

عناوین مشابه

- جرایم «فناوری جعل عمیق» از منظر فقه و حقوق کیفری
- جایگاه امامان معصوم علیهم السلام از منظر فقه
- بررسی عقد نکاح با شرط تمکین محدود از منظر فقه و حقوق اسلامی
- بررسی تطبیقی تأثیر اختلاف دین ولی و مولی علیه بر ولایت نکاح از منظر فقه اسلامی
- «هنر موعود» از منظر فقه و مبانی حقوق اسلامی ناظر بر هنرهای تجسمی
- نکاح معاطاتی از منظر فقه
- بررسی احکام خرید و فروش خون در عصر حاضر از منظر فقه امامیه
- وقف پول از منظر فقه امامیه و مذاهب اربعه
- معیار مسئولیت کیفری در خطای جزایی از منظر فقه و حقوق جزا
- نفقه زوجه غایب مفقود الاثر از منظر فقه اهل بیت و فقه حنفی و حقوق ایران و افغانستان

مصونیت دیپلماتیک از منظر فقه

نبی اله جهانگیری^۱

چکیده

در فقه اسلامی، روابط بین ملت‌ها و دولت‌ها (روابط دیپلماتیک) دارای اهمیت فراوانی است. بی‌توجهی به متون و احکام اسلامی در حوزه دیپلماتیک، سبب خواهد شد تا قوانین غربی که گاه مغایر با احکام اسلامی است، در این حوزه بر ما تحمیل و در جامعه اسلامی گسترش و نهادینه گردد. از این رو، ضرورت دارد تا به این امر مهم بیشتر پرداخته شود. بر این اساس، پژوهش حاضر به بررسی مصونیت دیپلماتیک از منظر فقه اسلامی پرداخته است. روش این پژوهش کتابخانه‌ای با رویکرد توصیفی و تحلیلی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد قوانین فقه اسلامی در برخورد با اقوام، سران کشورها، زمامداران و پیروان ادیان الهی بر مبنای اصل رعایت احترام، مروت و نزاکت در روابط بین‌الملل و تساهل دینی بنا شده است. در خصوص مصونیت دیپلماتیک دو نوع نظریه بین مذاهب اسلامی وجود دارد. یک: پذیرش نسبی دو: عدم پذیرش مصونیت. در نظریه پذیرش نسبی، طبق دیدگاه ابوحنیفه، مستأمن ملتزم به کلیه احکام اسلام نبوده و فقط در مورد جرایم حق الناس مورد تعقیب جزائی قرار خواهد گرفت. بنابراین مصونیت سیاسی به‌طور محدود (در خصوص جرایم عمومی و حق الله) اعمال می‌شود. اکثر فقهای اهل سنت و همچنین فقهای شیعه قائل به نظریه دوم، ارتکاب جرایم از سوی سفیر (مستأمن) را مشمول صلاحیت تقنینی و قضائی اسلامی می‌دانند. بنابراین اصولاً جرایم ارتكابی از سوی مستأمن، مطابق نظریه مشهور فقهای اسلامی، مشمول مصونیت نمی‌باشد.

واژگان کلیدی: دیپلماتیک، فقه اسلامی، سفیر، مستأمن، مصونیت دیپلماتیک.

۱) دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین



بیان مسئله

مصونیت دیپلماتیک، پیشینه‌ای دیرینه در تاریخ روابط دولت‌ها و ملت‌ها با یکدیگر دارد. از اصولی که ملل متمدن در طول تاریخ همواره آن را به دیده احترام و قداست رعایت نموده‌اند، اصل مصونیت فرستادگان است. تاریخ روابط دیپلماتیک نشان می‌دهد که دولت‌ها به‌طور کلی نسبت به پذیرش مصونیت نمایندگان خارجی تمایل نداشته‌اند؛ زیرا بنا بر قاعده کلی، حاکمیت هر دولت بر کلیه اشخاص و اشیایی که در سرزمین آن واقع است، اعمال می‌گردد و قوانین در داخل مرزها نسبت به همه‌کس و همه‌چیز لازم‌الاجرا است؛ مگر مواردی که قانون استثنا کرده است. مصونیت دیپلماتیک، محدودیتی بر حاکمیت و تعطیل قانون داخلی به‌شمار می‌آید. مصونیت‌ها به این دلیل به نمایندگان دولت‌ها و مأموریت‌های اعزامی اعطا می‌شود تا آنان بتوانند با اطمینان کامل به انجام وظایف پیش‌بینی شده بپردازند. دارندگان مصونیت موظف‌اند مقررات و قوانین دولت پذیرنده را مراعات نموده، از مداخله در امور داخلی آن دولت بپرهیزند. چنانچه این دو اصل را رعایت نمایند و به اعمالی مبادرت ورزند که مغایر با وظایف آنان است، از مصونیت‌های اعطایی سوء استفاده کرده‌اند. اخراج شخص به عنوان عنصر نامطلوب، سلب مصونیت اختیاری و قطع روابط دیپلماتیک، ضمانت اجرای سنتی سوءاستفاده از مصونیت‌هاست. ولی با گسترش و تنوع سوءاستفاده‌ها می‌توان مواردی چون شدت عمل در اعلام شخص به‌عنوان عنصر نامطلوب، سلب مصونیت اجباری، کاهش تعداد اعضای مأموریت‌های دیپلماتیک و توسعه بیمه‌های اجباری را در کاهش و یا جلوگیری از سوءاستفاده‌ها مدنظر قرار داد. در پژوهش حاضر به بررسی مصونیت دیپلماتیک از منظر فقه پرداخته شده است.

مقدمه

دیپلماسی اصولاً تابع متغیرهای خاصی است که عمدتاً ریشه در شرایط و تحولات واقعی و خارجی واحدهای سیاسی دارد. گرچه این امکان وجود دارد که دین یا هر مجموعه اعتقادی و ارزشی دیگری که ماهیت فرازمانی و فرامکانی دارد، برخی اصول

ثابتی را در حوزه رفتار سیاست خارجی ترسیم کند، اما این اصول در حدی نیست که تمام تحولات و دگرگونی‌های احتمالی در موضوع مورد توجه خود را به‌طور عموم پیش‌بینی کرده و همه آن‌ها را پیشاپیش قانونمند و نهادینه سازند. بنابراین اعتقادات، اصول و ارزش‌های مکتبی به هر اندازه که از جامعیت و استحکام برخوردار باشند، هرگز درصدد این نیستند تا مسیر هر نوع تحول احتمالی آینده را سد نموده و همه‌چیز را پیشاپیش صورت‌بندی کنند. دیپلماسی اسلامی یکی از همین قواعد رفتاری است که علی‌رغم ارتباط نزدیک با ارزش‌های ثابت دینی، با واقعیت‌های بیرونی جامعه سیاسی نیز سروکار دارد. از این‌رو طبیعی است که متناسب با تحولات، شرایط و واقعیت‌های سیاسی، همواره مسیر تحول و انطباق با شرایط را نیز بیماید (عمیدزنجانی، ۱۳۶۷، ص ۸۹). دیپلماسی اسلامی از آغاز شکل‌گیری دولت اسلامی در مدینه تا عصر دولت‌های مدرن کنونی در جهان اسلام، تحول چشم‌گیری یافته است.

برای آنکه مأمور سیاسی خارجی بتواند مأموریتش را به‌درستی به انجام رساند، لازم است در کشور پذیرنده مصونیت داشته باشد. به‌همین جهت حقوق بین‌الملل و همچنین اغلب نظام‌های کیفری، مصونیت مأموران سیاسی خارجی را پذیرفته‌اند. از نظر اسلام هم پذیرش مصونیت سیاسی یک امر ضروری و انکارناپذیر است؛ چرا که امروزه هیچ کشوری نمی‌تواند به تنهایی تمام نیازهای خود را از داخل برآورده کند و نیازی به همکاری و مبادله با دیگر کشورها نداشته باشد. البته این در صورتی است که مصونیت‌ها یک‌جانبه نباشد.

مفاهیم و تعاریف

دیپلماسی

واژه «دیپلماسی» از ریشه یونانی دیپلوما^۱ اخذ شده که معنای لغوی آن صفحه یا برگ تاشده است و در اصطلاح «دیپلوما» به سندی گفته می‌شود که به‌موجب آن، عنوان یا



امتیازی به شخص داده می‌شود. واژه «دیپلماسی» و «دیپلمات» از این ریشه مشتق شده‌اند (صدر، ۱۳۸۶، ص ۱۴؛ عمید زنجانی، ۱۳۹۴، ص ۲۶۵). واژه دیپلماسی به گونه‌های مختلف تعریف شده است؛ مانند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱، ص ۲۱۰):

- اداره امور بین الملل به وسیله سفیر و دیگر مأموران دیپلماتیک
- اداره امور بین دولت‌ها به وسایل مسالمت‌آمیز؛
- هنر دیپلمات در اداره امور خارجی دولت به وسایل مسالمت‌آمیز، به‌ویژه با مذاکره و گفتگو

اما در یک جمع‌بندی از همه تعاریف ارائه شده می‌توان چنین بیان داشت که: دیپلماسی روشی است برای حل و فصل مسائل مربوط به روابط خارجی دولت، به‌وسیله گفتگو یا هر روش مسالمت‌آمیز دیگر».

فقه اسلامی

فقه، دانش به‌دست آوردن احکام شرعی اسلامی فرعی، با روش‌های معینی از منابع فقه است (مشکینی، ۱۴۱۶، ص ۱۸۰). تعریف معروف: فقه در اصطلاح عبارت است از: علمی که به‌وسیله آن احکام شرعی را از ادله تفصیلی به دست می‌آوریم. «دلایل تفصیلی» از نظر بیشتر علمای شیعه عبارتند از: قرآن، سنت، اجماع و عقل (شب‌خیز، ۱۳۹۲، ص ۱۵). واژه فقه به معنی درک کردن و فهمیدن عمیق است، اما از آنجا که مسلمانان علم و فهم از دین را شریفتر از سایر علوم می‌دانسته‌اند، فقط فهم دین را فقه نامیده‌اند و این‌گونه بود که اصطلاح علم فقه به وجود آمد^۱ (ابن منظور، ۱۴۱۴، ص ۱۵۴).

فقه دانشی اسلامی برای به‌دست آوردن احکام عملی یا تکالیف دینی است. احکام فقهی از طریق استدلال و تحقیق در منابع چهارگانه به‌دست می‌آید که عبارتند از قرآن، سنت،

۱. الفِقهُ: العلم بالشیء و الفهم له، و غلبَ علی علم الدین لسیادته و شرفه و فضله علی سائر أنواع العلم كما غلب النجم علی الثریا و العود علی المندل؛ قال ابن الأثیر: و اشتقاقه من الشق و الفتح، و قد جعله العرف خاصاً بعلم الشریعة، شرفها الله تعالی، و تخصیصاً بعلم الفروع منه.

اجماع و عقل. فقه در بین اهل سنت و شیعه، از ابتدای اسلام دوره‌هایی را سپری کرده است. دوره مشترک بین این دو مذهب را دوره تشریح می‌گویند که زمان حضور پیامبر ﷺ است.

سفیر

سفارت در لغت به معنای روشنگری و از بین بردن ابهام‌ها به کار می‌رود. سفیر مأمور دولتی است با اختیارات عالی که برای انجام امور بین‌المللی یک دولت نزد دولت دیگر تعیین می‌گردد (آقایی، ۱۳۸۲، ص ۶۷). سفیر فرستاده‌ای است از جانب قومی به سوی قوم دیگر، برای رفع نگرانی که بین دو طرف وجود دارد؛ پس وظیفه سفیر روشنگری در همه زمینه‌های مربوط به روابط بین‌المللی است و اختصاص به جنگ و صلح ندارد؛ هرچند گوشه‌ای از این روشنگری در موارد خاص، مانند مذاکره، میانجیگری و امثال آن است. سفیر در اصطلاح به دو معنا به کار می‌رود (سلیمی، ۱۳۸۷، ص ۲۸):

الف. تقدم نمایندگان سیاسی دولتی نزد دولت دیگر. این تقدم در خود کلمه سفیر نهفته است. هم‌چنین نیازی به ذکر وصف «کبیر» نیست، چون هر سفیری کبیر است.

ب. مطلق نمایندگان سیاسی مذکور که شامل سفیر، وزیرمختار، وزیر مقیم و کاردار سفارت است. سفیر، نماینده انحصاری رئیس دولت است، اما دیگران نماینده سیاسی دولت متبوع خویش‌اند. زمان مأموریت سفیر عادی محدود نیست، بلکه او پیوسته نمایندگی سیاسی دولت متبوع خویش را دارد. اگر سفیری برای کار معین یا برای مدت محدود مأموریت داشته باشد، او را سفیر فوق‌العاده می‌نامند (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۶۷: ۲۱۷۳).

در حقوق بین‌الملل معاصر، عنوان سفیر به کسی اطلاق می‌شود که ریاست هیأت دیپلمات‌ها در خارج از کشور را برعهده دارد. محل اقامت سفیر و هیأت دیپلمات‌ها «سفارت» نام دارد.

مستأمن

مستأمن از مصدر «استئمان» به معنای اعتمادکننده و امین‌یابنده، امین به شمار آورنده



کسی را، زنه‌ارخواهنده، امان‌خواهنده است. هریک از افراد حربی که در بلاد اسلام باشند. کافری که در بلاد اسلام امان مطلق یافته باشد یعنی طبق عقد «مهاده» به‌عنوان تجارت یا سفارت و یا حاجت دیگر با اذن حکومت اسلام یا افراد مسلمین، وارد قلمرو اسلامی شود و آن غیر از «معاهد» است، چه معاهد کافری است که امان موقت یافته باشد، نه امان مطلق گفته می‌شود.

برخی نویسندگان تلاش کرده‌اند تا اثبات کنند که مفهوم مستأمن در فقه معادل مفهوم پناهنده یا پناهجو در حقوق بین‌الملل امروز است. با وجود موارد مشابهت عقد امان در فقه اسلامی با نهاد پناهندگی در حقوق بین‌الملل، نمی‌توان مفهوم مستأمن و پناهنده را یکسان دانست. زیرا از یک سو مفهوم استیمان و امان مبتنی بر تقسیم‌بندی عقیدتی مرزها به دارالاسلام و دارالکفر است که با مبنای تقسیم کشورها بر پایه دولت - کشور در حقوق بین‌الملل امروز تفاوت دارد. از سوی دیگر، در عقد امان، مستأمن در برابر تهدیداتی که از دارالاسلام متوجه اوست، درخواست پناه می‌کند، ولی در پناهندگی امروزی پناهنده به سبب احساس خطر در موطن خود به محل پذیرنده پناه می‌برد و از محل اقامت خود می‌گریزد. در هر حال، هرچند عقد امان دقیقاً بر پناهندگی امروزی انطباق نمی‌یابد، بخش اعظم حقوق و تکالیفی که امروزه در حقوق بین‌الملل، به موجب کنوانسیون‌های مربوط، برای پناهندگان شناخته می‌شود، بر پایه ادله عام و مطلق قابل استناد در فقه اسلامی برای پناهنده قابل شناسایی است، از جمله امنیت اجتماعی، امنیت قضایی، امنیت شغلی، حق کسب دانش، آزادی مذهبی و حق تردد در محل پذیرنده (قاری سید فاطمی، ۱۳۷۴، صص ۱۶۷-۱۷۳).

حقوق دیپلماتیک

حقوق دانان کمتر به تعریف حقوق دیپلماتیک اشاره کرده‌اند. رائل ژنه در تعریف این واژه می‌گوید: حقوق دیپلماتیک شاخه‌ای از حقوق عمومی است که درباره اعمال و نظامات روابط خارجی دولت و نمایندگی او در خارج بحث می‌کند؛ یعنی هم از امور

بین‌الملل و هم از نحوه اجرای آن‌ها (صدر، ۱۳۷۶، ص ۴). و یا حقوق دیپلماتیک مجموعه قواعدی است که نظام روابط سیاسی خارجی دولت‌ها بر آن استوار است (سلیمی، ۱۳۸۷، ص ۳۹).

مصونیت‌های دیپلماتیک

مصونیت و مزایای دیپلماتیک جزء اصلی‌ترین مباحث حقوق دیپلماتیک است که خود از مباحث جالب حقوق بین‌الملل عمومی است. حقوق بین‌الملل عمومی بعد از جنگ جهانی دوم بیش از پیش مورد توجه و اهمیت قرار گرفت و علاوه بر آن دستخوش تحولات زیادی شد. این تحولات مباحث مصونیت و مزایای دیپلماتیک را هم تحت تأثیر قرار داده‌اند و متحول نمود. مصونیت و مزایای دیپلماتیک جزو مباحثی است که در طول قرون و اعصار به‌طور بدیهی مورد توافق بوده است. اصولاً شروع هرگونه روابط بین کشورها با قبول مصونیت دیپلماتیک توأم بوده و به‌هیچ وجه جداشدنی نیستند و بدون قبول و باور مصونیت، امکان هیچ‌گونه روابط وجود ندارد. از طرفی وجود اصل عمل متقابل در روابط بین کشورها باعث اهمیت این موضوع شده و نیز باعث شده که با چون‌و‌چرای کمتری مورد توافق کشورها واقع شود (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴، ص ۶۳).

منابع حقوق دیپلماتیک

هر نظام حقوقی از مبنایی سرچشمه گرفته و با استناد به آن منابع، قوانین حقوقی شکل می‌گیرد (میری زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۴). با وجود گوناگونی نظریات حقوقدانان مسلمان درباره منابع حقوق اسلام، می‌توان در یک تقسیم‌بندی کلی منابع حقوقی اسلام را به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم نمود. منابع اصلی که عبارت‌اند از: کتاب (قرآن کریم) سنت، اجماع و عقل (و به نظر اهل سنت، قیاس) (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۱۴). و منابع فرعی که عبارتند از: عرف، سیره عقلا، شهرت، معاهدات، قواعد حقوقی بین‌الملل و احکام حکومتی (محمودی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۷۳).



وظایف مأموران دیپلماتیک

مأموران دیپلماتیک به نمایندگی از کشور فرستنده وظایف محوله را البته در چارچوب قوانین و مقررات بین‌المللی انجام می‌دهند؛ اعمال چنین وظایفی دقت خاصی می‌طلبد و سهل‌انگاری در این موارد عواقب ناخوشایندی به همراه دارد؛ زیرا مأموران دیپلماتیک نماد استقلال و حاکمیت کشور متبوع خودشان هستند. اهم وظایف مأموران دیپلماتیک به قرار زیر است:

- ۱- نمایندگی دولت فرستنده نزد دولت پذیرنده.
 - ۲- حفظ منافع دولت فرستنده و اتباع آن در دولت پذیرنده تا حدودی که در حقوق بین‌الملل مورد قبول است.
 - ۳- مذاکره با حکومت دولت پذیرنده.
 - ۴- استحضار از اوضاع و سیر وقایع در دولت پذیرنده با استفاده از تمام وسائل مشروع و گزارش آن به حکومت فرستنده.
 - ۵- بسط روابط دوستانه و توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی و علمی بین دولت فرستنده و پذیرنده (دیبری، ۱۳۸۹، ص ۵۹).
- اعطای مصونیت‌ها
- مصونیت به‌طورکلی بدین معناست که دارنده آن از تعقیب قانون و مأموران دولت در امان است، و مقصود از مزایا آن است که امتیازاتی به کسی داده شود که سایر مردم حق استفاده از آن ندارند. مأموران دیپلماتیک جهت انجام هرچه بهتر وظایف خودش از یک‌سری مصونیت و مزایا برخوردار می‌گردند. منظور از مصونیت‌ها و مزایای دیپلماتیک، بهره‌مند ساختن افراد نیست، بلکه هدف تأمین اجرای مؤثر وظایف هیأت‌های دیپلماتیک به عنوان نمایندگان کشورهاست (صدر، ۱۳۸۹، ص ۸۰).

حاکمیت هر دولت نسبت به کلیه اشخاص و اشیای واقع در سرزمین آن، اعمال می‌گردد، مصونیت نمایندگان خارجی تعطیل قانون داخلی و استثنایی بر اصل حاکمیت

دولت‌ها خواهد بود. حقوقدانان در توجیه و تبیین این استثنا، نظریات گوناگونی ابراز داشته‌اند که اهم آن‌ها را سه نظریه «برون‌مرزی»، «نمایندگی» و «مصلحت خدمت» تشکیل می‌دهند که به قرار زیر است:

۱- برون‌مرزی

اساس آن بر یک فرض مبتنی است؛ سفیر خارج از سلطه سرزمینی دولت پذیرنده قرار دارد و گویا سرزمین دولت خود را ترک نگفته و اقامت او در سرزمین بیگانه به‌مثابه امتداد اقامت او در وطن است. به‌عبارت دیگر، تصور می‌شود اماکن مأموریت بیگانه امتداد سرزمین دولت فرستنده‌اند.

۲- نمایندگی

برخورداری از مصونیت، ناشی از ویژگی نمایندگی است. یعنی نمایندگان سیاسی به نیابت از دولت و یا به نیابت از رئیس دولت خود عمل می‌کنند. هرگونه احترام و یا تعرض به نماینده به‌منزله احترام و تعرض به مقام فرستنده خواهد بود. نمایندگان تجسم شخصیت مقام فرستنده‌اند و همان‌گونه که دولت و رئیس آن به‌عنوان یک قاعده از مصونیت برخوردار هستند، این مصونیت شامل نمایندگان آنان نیز می‌شود.

۳- مصلحت خدمت

مصلحت و ضرورت پیشرفت کار مأمور سیاسی، در یک جو آرام و به دور از تأثیرات دولت پذیرنده، نیازمند برخورداری مأموران سیاسی از مصونیت‌هاست. برای آن که مأمور سیاسی، مأموریتش را در شرایط مساعد و استقلال کامل انجام دهد، لازم است در نظام حقوقی کشور میزبان در حد گسترده‌ای از آزادی عمل برخوردار باشد و این آزادی عمل بر ضرورت اجرایی و کارکردی خدمت سیاسی استوار است (ابراهیمی، ۱۳۷۷، ص ۵۷).

انواع مصونیت‌های دیپلماتیک

۱) مصونیت‌های اصلی: مثل مصونیت شخص دیپلمات و مصونیت اسناد و بایگانی. این مصونیت برای شخص یا شیئی ایجاد شده است.



۲) مصونیت‌های تبعی: این مصونیت‌ها به تبع شخص یا شیئی ایجاد شده است.

۳) مصونیت از تعرض: مصونیت از تعرض یعنی حرمت و حقوق یک محل یا یک شخص غیر قابل نقض است. وارد شدن به محل بدون اجازه، تعرض به مصونیت محل است و نقض حقوق و آزادی‌های شخصی و تعرض به مصونیت شخصی است. مصونیت از تعرض در موارد زیر قابل تفکیک است:

الف) مصونیت محل کار مأموریت دیپلماتیک

ب) مصونیت نوشته‌ها و اسناد دیپلماتیک

ج) مصونیت شخصی مأمور دیپلماتیک

د) مصونیت خانواده دیپلماتیک

۴) مصونیت قضایی: وظایف خاص مأموران سیاسی و موقّیت نمایندگی آن‌ها در یک کشور مستقل ایجاب می‌کند در معرض تعقیب جزایی و رسیدگی‌های حقوقی قرار نگیرند و این بدین معناست که دولت میزبان صلاحیت قضایی یا قانونی برای رسیدگی نداشته باشد، بلکه دولت‌ها از اعمال صلاحیت خود در مورد دیپلمات‌ها خودداری می‌کنند. البته رعایت مقررات کشور محل توقف و احتیاط و دوراندیشی مأمور سیاسی باید به نحوی باشد که موردی برای اتهام و تعقیب پیش نیارد؛ ولی به هر حال چنانچه شکایتی علیه مأمور سیاسی مطرح باشد، فقط در محاکم دولت متبوع قابل رسیدگی است (ذوالعین، ۱۳۹۵، ص ۵۲).

مصونیت قضایی اصولاً برای مأمورین دیپلماتیک است، نه سفارتخانه‌ها و به‌منظور تأسیس استقلال و آزادی عمل مأموران در انجام وظایف و خدمات خود. حقوق بین‌الملل مأموران سیاسی را معاف از هرگونه اقدامات قضایی کشورها دانسته است. با این عبارت که هیچ‌یک از مراجع قضایی حق اعمال صلاحیت نسبت به مأمورین دیپلماتیک را ندارند.

جایگاه اسلام در روابط دیپلماتیک

مطابق ماده ۹ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، اعضای این دیوان علاوه بر شرایط

شخصی باید نماینده انواع بزرگ تمدن‌ها و مهم‌ترین نظام‌های حقوقی جهان باشند. تدوین‌کنندگان اساس‌نامه در تنظیم این ماده، از جمله بر تمدن اسلام و رژیم حقوقی آن تأکید داشتند. در همین ارتباط، دولت‌های کشورهای اسلامی نیز طی نامه‌ای به دبیرکل جامعه ملل اظهار نمودند: «بدون تردید، تمدن اسلام با سابقه درخشان خود، در گذشته و حال، یکی از انواع تمدن‌ها را تشکیل داده و حقوق اسلام، که بر بخش عظیمی از جمعیت جهان حاکم است، دارای نظام حقوقی مستقل با منابع و ساختار و مفاهیم خاص خود می‌باشد». در آوریل ۱۹۴۵ در کنفرانس سانفرانسیسکو نیز این نکته مورد تأیید قرار گرفت که نظام حقوقی اسلام یکی از نظام‌های متمدّن و مستقل مورد نظر ماده ۹ اساسنامه دیوان است. با وجود آن که دیوان به شورای امنیت و مجمع عمومی، این موضوع را تکلیف نموده است، ولی حقوقدانان غرب از بذل مساعدت و همیاری در آشنایی با حقوق بین‌الملل اسلام دریغ می‌ورزند. دیوان بین‌المللی دادگستری به نقش اسلام در توسعه حقوق دیپلماتیک اعتراف نموده است. اصل عدم تعرض اعضای مأموریت دیپلماتیک و اماکن مأموریت یکی از مبانی شناخته شده با قدمت طولانی در رژیم حقوق دیپلماتیک است که سنت‌های اسلام در توسعه آن سهم بسزایی داشته است (خلیلیان، ۱۳۶۲، ص ۴۸).

حقوق دیپلماتیک در اسلام

روابط دیپلماسی و حقوق دیپلماتیک در نظام حقوقی اسلام جایگاه خاصی می‌یابد؛ چراکه به مقتضای حکمت، دیپلماسی فعال و حکیمانه پیش‌شرط دعوت و هدایت است. خداوند حکیم نخستین آموزگار بشر در زمینه سفارت و روابط دیپلماسی است. خداوند سبحان در راستای هدایت بشر و ایجاد رابطه با اشرف مخلوقات (انسان) سفیرانی را فرستاد و فن مذاکره و دیپلماسی را به بهترین وجه به آنان آموخت: «با حکمت و اندرز نیکو به سوی راه پروردگار دعوت نما، و به آنها به طریقی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن» (التحل، ۱۲۵). تا روابط اجتماعی و بین‌المللی بشر را تنظیم و انسان‌ها را به زندگی انسانی و عدالت اجتماعی هدایت کنند. انجام چنین رسالتی عظیم جز با دیپلماسی



فعال و حکیمانه امکان‌پذیر نیست. پیامبران به‌عنوان سفیران الهی در ایجاد تمدن، توسعه روابط اجتماعی و بین‌المللی و ترویج فرهنگ عدالت‌خواهی نقش عظیم و برجسته‌ای ایفا کرده‌اند:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ (الحديد، ۲۵) به‌راستی (ما) پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آن‌ها کتاب و ترازو را فرستادیم تا مردم به عدالت قیام کنند.

قرآن کریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را رسول رحمت معرفی می‌کند (الانبیاء، ۱۰۷) و مهربانی و دلسوزی را از مهم‌ترین ویژگی‌های او برمی‌شمارد. ابلاغ پیام خدا، تعلیم و تربیت انسان‌ها، حل و فصل اختلافات، انذار و تبشیر و اتمام حجت، رسالت اصلی آخرین سفیر الهی است. منظور از دیپلماسی پیامبر صلی الله علیه و آله فعالیت‌ها و اقداماتی است که ایشان در جایگاه رئیس حکومت اسلامی و سفیران برگزیده او در راستای انجام وظایف سیاسی دولت اسلامی، تحقق بخشیدن به خط‌مشی‌های کلی اسلام در عرصه روابط بین‌الملل انجام داده‌اند. در حقیقت، اهداف عالی و خطوط کلی سیاست اسلام و منافع امت اسلامی بود که دیپلماسی پیامبر صلی الله علیه و آله را معین می‌کرد و جهت می‌بخشید. شیوه‌های حضرت بر جهان‌بینی واقع‌بینانه و اصول و ارزش‌های انسانی متکی بوده و خاستگاه الهی دارد. در واقع، زیربنای دیپلماسی پیامبر صلی الله علیه و آله رساندن پیام انسان‌ساز وحی به همه ملت‌ها در همه زمان‌هاست (عمیدزنجانی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۲). هدف اسلام رساندن انسان به کمال واقعی و ایجاد حکومت واحد جهانی بر اساس قسط و عدل است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»؛ (آل عمران، ۶۴). بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را غیر از خدای یگانه به خدایی نپذیرد. هرگاه (از این دعوت) سر باز زنند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمانیم.

دیپلماسی در حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آخرین سفیر الهی، تجلی خاصی دارد. تاریخ، نمونه‌هایی از رفتار دیپلماسی حضرت را ثبت کرده است. ایشان در مدت حکومت خویش، سفیران متعددی را نزد سران دیگر کشورها فرستاده و سفیرانی را از کشورهای دیگر به حضور پذیرفته است. در اعزام و یا پذیرش سفیر نیز تشریفات خاصی را رعایت می‌کرده است. بدون شک، سیره آن حضرت در زمینه روابط بین‌الملل و حقوق دیپلماتیک، شامل نکات ارزنده و الهام‌بخشی است.

دیپلماسی عصر رسالت

سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در زمینه دیپلماسی بسیار آموزنده است. در تاریخ دیپلماسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از سفیران زیادی نام برده شده که هر یک از آنها برای انجام مأموریتی اعزام شده‌اند. از آن جمله می‌توان سفارت سیاسی - نظامی امام علی علیه السلام در یمن، عروه بن مسعود در مکه، معاذ بن جبل در یمن، عبدالله بن حزافه در ایران، حاطب بن ابی بلتعنه در مصر، دحیه بن خلیفه کلبی در روم، عمرو بن امیه در حبشه، شجاع بن وهب در دمشق و سلیط بن عمرو در یمامه را نام برد (حمیدالله، ۱۳۷۳، ص ۸۱).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با سفیران اعزامی جوامع دیگر رفتار حسنه و نیکی داشتند. آنان در مدت مأموریتشان از احترام و مصونیت کامل برخوردار بودند و می‌توانستند بی‌هیچ محدودیتی پیامشان را ابلاغ کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و هیأت همراه در مراسم پذیرش سفیران، از آنان به‌طور رسمی استقبال می‌نمودند. با سفیران با توجه به موقعیت شخصی و مقام اعزام‌کننده آن‌ها رفتار می‌کردند (معین زاده، ۱۳۷۲، ص ۵۴).

مزایای دیپلماتیک

مقصود از مزایا آن است که امتیازاتی به کسی داده شود که سایر مردم حق استفاده از آن را ندارند. درباره مبانی این‌گونه مصونیت‌ها و مزایای آن باید گفت: «منظور از مصونیت‌ها و مزایای دیپلماتیک، بهره‌مند ساختن افراد نیست، بلکه هدف تأمین اجرای مؤثر وظایف هیأت‌های دیپلماتیک به عنوان نمایندگان کشورهاست». اکنون به مزایا و



مصونیت‌های سفیران از دیدگاه اسلام اشاره می‌کنیم:

۱- مصونیت شخصی

سفیران و هیأت همراه، از مصونیت شخصی کامل برخوردارند و باید از تعرض و بدرفتاری با آنان اجتناب شود. در تاریخ اسلام می‌خوانیم حتی در مواردی که سفیر یا فرستاده‌ای خارج از محدوده وظیفه‌شان عمل کرده‌اند، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اجازه تعرض به آنان را نداده است. در این باره فرستادگان «مسيلمه كذاب»، مثال خوبی است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در برابر عمل ناشایست آن‌ها فرمود: «لَوْ لَأَنَّ الرَّسُولَ لَا تُقْتَلُ لَضَرَبْتُ اعْنَاقَكُمْ»؛ اگر این حکم نبود که سفیران را نمی‌توان کشت، شما را گردن می‌زدیم. همچنین رفتار محبت‌آمیز و توأم با گذشت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در انعقاد صلح حدیبیه، و نیز استقلال گرم از نمایندگان مسیحیان، شواهد دیگری در این مورد است (عزیزی، ۱۳۹۶، ص ۸۸).

۲- آزادی مذهبی

در دیپلماسی اسلام، سفیران برای انجام نیایش و مراسم دینی کاملاً آزادند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به هیأت نمایندگی مسیحیان نجران اجازه داد که حتی در مسجدالنبی آیین مذهبی خود را برپا دارند. تاریخ‌دانان انجام نیایش آنان را که آزادانه صورت پذیرفته است، رویدادی شگفت‌آور قلمداد می‌کنند. نویسنده کتاب سنن موارد متعددی را ذکر می‌کند؛ از جمله اهالی مکه پس از جنگ بدر، ابورافع را برای مذاکره و ملاقات با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره آزادی اسیران قریش به مدینه فرستاد. نامبرده وقتی به مدینه آمد، اسلام آورد و نمی‌خواست به مکه برگردد. حضرت فرمود: من نقض تعهد نمی‌کنم و نیز سفیران را توقیف نمی‌کنم. بنابراین برگرد، چنانچه تمایل به بازگشت داشتی، می‌توانی بعداً به مدینه مراجعه کنی. ابورافع به توصیه آن حضرت عمل نمود.

۳- معافیت از پرداخت عوارض

براساس شواهد تاریخی، اموال سفیران به شرط عمل متقابل دولت‌های متبوع آنان از پرداخت عوارض معاف بوده است. اگر کشورهای خارجی فرستادگان مسلمان را از

عوارض گمرکی و دیگر مالیات‌ها معاف کنند، فرستادگان آن کشور نیز همان امتیاز را در سرزمین اسلامی خواهند داشت. در غیر این صورت، تصمیم با دولت اسلامی است (صدر، ۱۳۸۹، ص ۴۳)؛ یعنی اگر بخواهد، آنان نیز مانند مسافران خارجی، به پرداخت عوارض معمول ملزم خواهند بود. این گونه رفتار متقابل، ممکن بود درباره شخص سفیر هم اعمال شود؛ برای مثال، رسول خدا ﷺ نماینده تام‌الاختیار مکه را تا زمان بازگشت سالم سفیر مسلمانان که در مکه توقیف شده بود (به حدیبیه اردوگاه پیامبر) در توقیف نگه داشت. ممکن بود فرستادگان در مواردی، بازداشت یا زندانی شوند. مسلمانان در این زمینه با احتیاط عمل می‌کردند. در گذشته و به خصوص در اروپا، جاسوسی نخستین هدف دیپلماسی به شمار می‌رفته است. از این رو، مسلمانان از سفیران بی‌مناک بودند و مردم را از معاشرت با آنان منع می‌کردند تا اخبار به آنان نرسد. ابویوسف در زمینه مصونیت سفیران چنین نوشته است: اگر والیان با فرد بیگانه‌ای ملاقات کنند، او ادعا کند که فرستاده فلان پادشاه به سوی سلطان عرب است و این نامه اوست، ... کسی حق تعرض به اموال او را ندارد، اموالی را که به قصد تجارت آورده، مالیات دارد و الا مالیات ندارد... و چنانچه مسلمانان در دریا به کشتی که از آن مشرکان است برخورد کند و اهل کشتی ادعا کنند که فرستاده فلان حاکم هستند و نامه‌ای در این خصوص ارائه نمایند، بر والی لازم است که آن‌ها را به سوی رهبر مسلمانان بفرستد و در صورتی که دروغ گفته باشند، رهبر درباره آنان تصمیم می‌گیرند (عزیزی، ۱۳۹۶، صص ۸۸-۸۹).

مصونیت دیپلماتیک در فقه اسلامی

مصونیت صفتی اعتباری است که وجود و عدم آن تابع اراده و اختیار قانون‌گذار است و قانون‌گذار در وضع و عدم وضع یک قانون تابع قواعد عامی است که در عرصه قانون‌گذاری باید پیروی شود. بنابراین قانون‌گذار در صورت وضع یک حکم یا قانون، مصالح و مفاسدی را که بر عمل به آن‌ها مترتب است، در نظر می‌گیرد؛ زیرا آن حکم یا قانون بر تعهد و الزام فردی که مسلک «وضع» (پوزیتیویسم) آن را در تمامی قوانین



بپذیرفته و مسلک «شرع» درخصوص قوانین مربوط به منطقه الفراغ یا مواردی که شارع هیچ حکمی الزامی در آن‌ها ندارد و مطابق با الزام و تعهدات افراد تشریح می‌شود، مبتنی است. قول به مصونیت پارلمانی یا عدم آن، تابع وجود یا عدم دلیل شرعی و مستند قانونی آن است. اما با توجه به این‌که در صورت شک و عدم علم به ثبوت یا عدم ثبوت حکمی از طرف شارع مقدس، اصل عملی مقتضی عدم ثبوت حکم است و برای قائل شدن به عدم مصونیت پارلمانی کافی است که دلیل شرعی یا مستند قانونی برای آن نداشته باشیم؛ زیرا در این صورت حالت سابق بر سمت نمایندگی را استصحاب می‌کنیم و آن حالت سابق مقتضی این است که چنانچه نماینده مرتکب تخلفی شود، باید تحت پیگرد قانونی قرار گیرد. در مورد تخلفی که نماینده مرتکب شده، اصل برائت جاری نمی‌شود، زیرا فرض، ارتکاب تخلف اوست (ذوالعین، ۱۳۸۴، ص ۱۲۳). نهایت امر این است که آثار قانونی تخلف انجام شده، از قبیل تعقیب و بازداشت و بازجویی و صدور حکم مجاز است، بر آن مترتب نشود.

روابط بین انسان‌ها را روز به روز گسترش و توسعه داده و به مرور برای روابط خود چهارچوب و قوانینی را تدوین نموده است. تدوین قوانین و مقررات مربوط به حقوق بین‌الملل و خصوصاً مصونیت‌ها و مزایای مربوط به نمایندگان سیاسی و کنسولی دولت‌ها نزد یکدیگر، در قالب امروزی آن، در جوامع غیرمسلمان غربی پررنگ‌تر دیده می‌شود، لذا غربی‌ها و حتی برخی مسلمانان غربگرا نیز تصور می‌کنند اسلام در این زمینه حرفی برای گفتن ندارد؛ این در حالی است که سفارت در اسلام، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. براساس عرف بین‌المللی، مأموران دیپلماتیک از مصونیت جزایی در کشور محل مأموریت استفاده می‌کنند و در صورت ارتکاب جرم، در کشور متبوع خویش مورد تعقیب جزایی واقع می‌گردند. در خصوص مطابقت این مسئله با فقه اسلامی، باید بین مذاهب اسلامی قایل به تفصیل شد (مؤمنی، ۱۳۸۵، ص ۹۴).

۱- پذیرش نسبی

کسی که در کشور اسلامی مسئول انجام مأموریت است و به طور موقت و به اذن دولت اسلامی وارد آنجا می‌شود، مستأمن محسوب می‌گردد. از دیدگاه ابوحنیفه، مستأمن ملتزم به تمام احکام اسلام نبوده، صرفاً در مورد جرایم حق الناس مورد تعقیب جزائی قرار خواهد گرفت. بنابراین، از دیدگاه وی، مصونیت سیاسی به طور محدود. یعنی در خصوص جرایم عمومی و حق الله عملی می‌گردد (مؤمنی، ۱۳۸۵، ص ۹۴).

۲- عدم پذیرش

تمامی فقهای اهل سنت غیر از ابوحنیفه و همچنین فقهای شیعه ارتکاب جرایم از سوی مستأمن را مشمول صلاحیت تقنینی و قضائی اسلامی می‌دانند. بنابراین، اصولاً جرایم ارتكابی از سوی مستأمن مطابق نظریه جمهور فقهای اسلامی، مشمول مصونیت نخواهد بود. البته باید توجه داشت جرایمی که در شریعت اسلامی منصوص هستند- یعنی در کتاب و سنت دارای عنوان مجرمانه هستند- چنین حکمی دارند، اما جرایم قابل تعزیر را، که در کتاب و سنت مجازات آنها منصوص نیست، ابوزهره معتقد است: می‌توان بر اساس آیه شریفه «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (الاسراء، ۳۴)، آنها را تابع پیمان قرار داد؛ زیرا این جرایم توسط حاکم اسلام مقرر می‌گردند. بنابراین، در صورتی که حکومت اسلامی بر اساس قرارداد، قبول نماید که مأموران سیاسی را در صورت ارتکاب جرم مجازات ننماید، مادام که قرارداد به قوت خویش باقی است، لازم است به آن عمل نماید (محمد ابوزهره، بی تا، ص ۲۹۶).

همچنین در خصوص رعایت تشریفات برای تعقیب جزائی برخی صاحب منصبان حکومت مانند نمایندگان مجلس و دیگران، به دلیل آنکه این مسئله به معنای عدم مجازات شخص نیست و صرفاً برای جلوگیری از انتساب اتهامات ناروا و به منظور احتیاط صورت می‌گیرد، این امر با موازین اسلامی مغایرت نداشته و قابل اعمال است (همان، ص ۳۱۶).

نکته قابل توجه آن است که مصونیت جزائی دیپلماتیک به نحوی که امروزه به موجب



کنوناسیون ژنو پیش‌بینی گردیده، در منابع اولیه اسلامی مورد قانون‌گذاری قرار نگرفته است. البته از همان ابتدای کار حکومت اسلامی در عصر رسول خدا ﷺ سفرا دارای امتیازات ویژه‌ای بودند. برای مثال، سفرا از پرداخت عوارض ورود به سرزمین اسلامی به شرط عمل متقابل مستثنا بودند (حمیدالله، ۱۳۷۳، ص ۲۷۴).

سفرا و فرستادگان ممکن بود فقط در موارد فوق‌العاده بازداشت یا زندانی شوند (همان، ص ۲۷۳).

فرستادگان به همراه افراد در معیت آنان، از مصونیت شخصی برخوردار بودند. نباید کشته می‌شدند و یا کسی متعرض آن‌ها می‌شد یا با آن‌ها بدرفتاری می‌کرد. اگر سفیر یا همراهانش در کشور اسلامی مرتکب جرم می‌شدند رفتار و ویژه‌ای با آن‌ها صورت می‌گرفت که با افراد معمولی تفاوت داشت. پیامبر به سفیران پیامبران کذاب، که ادعای نبوت کرده بودند، فرمود: اگر سفیر نبودید می‌گفتم سرتان را از تن جدا کنند (سرخسی، بی‌تا، ص ۹۲). آنچه نباید از نظر دور داشت، توجه اسلام به عرف بین‌المللی، پایبندی به قراردادهای و منافع و مصالح مسلمانان است. قرآن در خصوص غیر مسلمانان این اجازه را به حکومت اسلامی داده است که قضاوت در خصوص آن‌ها را علی‌الأصول به خودشان واگذار نماید (قاعده الزام) (النساء، ۴۲-۴۸).

زمانی که حکومت اسلامی در مدینه تشکیل شد، یهودیان مدینه دارای نوعی «کنفدراتیو» (اتحادیه) بودند و با پذیرش ریاست عالی پیامبر ﷺ، استقلال قضائی خود را حفظ کردند (مؤمنی، ۱۳۸۵، ص ۹۵).

مطابق قواعد و موازین اسلامی، معاهدات دو یا چند جانبه برای طرفین الزام‌آور است، به طوری که رعایت آن‌ها اجباری و همیشگی است. جنبه الزامی این قراردادهای هرگز زایل شدنی نیست، مگر در حالت اضطرار غیرقابل اجتناب. «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ» (البقرة، ۱۷۳)؛ هرکس به خاطر اضطرار، بدون تعهد و تجاوزی، کاری انجام دهد گناهی بر او نیست. قاعده «الضَّرُورَاتُ تُبَيِّحُ الْمَحْظُورَاتِ» که ضرورت تام، حرام را تجویز

می‌کند، در همین زمینه است. اعمالی در اسلام وجود دارد که واجب نیست، بلکه از مستحبات است و اعمالی مباحند. الزامات منبعث از عرف و معاهدات از نظر قوانین اسلامی صرفاً بر آخرین دسته از اعمال فوق، معتبر شناخته می‌شود. معاهداتی که به لحاظ ضرورت تام مغایر با احکام شرع منعقد شده باشد صرفاً تا هنگامی که حالت اضطرار برقرار باشد، به اعتبار خود باقی خواهد ماند، پذیرش عرف مسلم توسط شریعت اسلامی امری رایج است، عرف و عادات مشروط به آنکه مغایر با احکام و آموزه‌های شرعی نباشد، یکی از منابع مشروع قواعد مربوط به رفتار ویژه مؤمنان است (حمیدالله، ۱۳۷۳، صص ۷۲ و ۲۵۵).

بنابراین، پذیرش مصونیت جزائی دیپلماتیک بر اساس منافع مسلمانان، ضرورت ارتباط با دولت‌های غیر اسلامی، الزام‌آور بودن و معاهدات، و اجازه حکومت اسلامی در واگذاری نوعی استقلال قضائی به بیگانگان استوار است. البته این‌ها به شرط آن است که بر اساس منافع امت اسلامی و به‌نحو متقابل باشد، وگرنه همان طرح «کاپیتولاسیون» و امتیازات یک‌طرفه برای بیگانگان است که به حکم قرآن «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (النساء، ۱۴۱) منتفی و نامشروع است (مؤمنی، ۱۳۸۵، ص ۹۵).

سفارت در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. خداوند نخستین بنیان‌گذار سفارت است. او پیامبرانش را به‌عنوان سفیر به‌سوی بندگان فرستاده است. به‌همین دلیل، سفارت در حکومت نبوی نیز اهمیت خاصی داشته است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم‌زمان با تأسیس حکومت، به دیپلماسی فعال در برقراری روابط و ارسال سفیر نزد سران کشورهای دیگر همّت گماشت. البته در آن زمان چون روابط دیپلماسی و اعزام سفیران به‌صورت موقت بود، طبعاً وظایف و مزایای آن‌ها نیز چندان گسترده نبود. به‌رحال، دیپلماسی وسیله‌ای بود که در پناه آن تماس رسمی بین مقامات اسلامی و غیر آن امکان‌پذیر می‌شد. با مراجعه به منابع اسلامی و کتب معتبر تاریخی، این واقعیت روشن می‌گردد که سفیران و دیپلمات‌ها در جوامع اسلامی، از آزادی و احترام خاصی برخوردار بوده‌اند. به‌خصوص در عصر رسالت که نمونه‌هایی از آن را متذکر شدیم. مسلمانان در مراسم استقبال از سفیران دیگر کشورها



رفتار ویژه‌ای داشتند. مهمان‌داران (افرادی که مأمور پذیرایی از آنها می‌شدند) وظیفه داشتند مصالح اسلامی را رعایت کنند و نیرو و قدرت، شوکت و عظمت، شدت و حمیت، تعصب و اتفاق کلمه، وظیفه‌شناسی و علاقه‌مندی مسلمانان را به حفظ نظام مملکت، به سفیران و هیأت همراه نشان دهند (حمیدالله، ۱۳۹۰، ص ۶۶).



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

نهاد حقوقی سفارت و دیپلماسی از آموزه‌های دینی است. نقش اسلام در حوزه دیپلماسی بسیار برجسته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به‌عنوان آخرین سفیر الهی در این زمینه اقدامات ارزنده‌ای انجام داده است. اصل احترام به سفیران و دیپلمات‌ها و مصونیت آنان در نظام حقوقی اسلام، از اهمیت خاصی برخوردار است. تاریخ روابط بین‌الملل به‌خوبی نشانگر اهتمام مسلمانان به امر سفارت و روابط دیپلماسی است. مسلمانان قرن‌ها زودتر از غربیان به تدوین حقوق دیپلماتیک و رعایت آن اهتمام ورزیده‌اند. قرائن و شواهد تاریخی نشان می‌دهد که تأسیس سفارت دائم نیز از ابتکارات مسلمانان است. البته حقوق دیپلماتیک جدید با قدیم از لحاظ کمی و کیفی تفاوت‌هایی دارد؛ در گذشته، به دلیل موقت بودن مأموریت‌های دیپلماسی، ناگزیر حقوق سفیران نیز محدود بوده است. در دوران معاصر، سفارت حالت دائمی پیدا کرده و سفارتخانه هر کشوری بخشی از سرزمین آن کشور به‌شمار می‌رود؛ هرچند که تأمین امنیت آن به عهده کشور میزبان است. اعضای سفارتخانه و هیأت دیپلماتیک نیز متفاوت از گذشته است. در دوران معاصر، کشورها آزادی عمل بیشتری برای سفارتخانه‌ها قائلند. هرچند به تناسب پیچیدگی و گسترش روابط بین‌الملل، حقوق دیپلماتیک نیز تکامل یافته است، اما با توجه به ویژگی جهانی بودن اسلام و نقش دیپلماسی فعال در پیشرفت اهداف والای این دین مبین، محدودیتی خاصی نسبت به گسترش روابط دیپلماتیک وجود ندارد. اکثر فقهای اهل سنت و همچنین فقهای شیعه ارتکاب جرایم از سوی سفیر (مستأمن) را مشمول صلاحیت تقنینی و قضائی اسلامی می‌دانند. بنابراین، جرایم ارتكابی از سوی سفیر مطابق نظریه مشهور فقهای اسلامی، مشمول مصونیت نیست. کشورهایی که براساس اصل همزیستی مسالمت‌آمیز، اقدام به تأسیس سفارتخانه می‌کنند، یا به وسیله عضویت در سازمان‌های بین‌المللی و یا انعقاد قراردادهای تجاری، اقتصادی، فرهنگی تعهداتی را نسبت به یکدیگر می‌پذیرند، باید طبق آن‌ها رفتار نمایند. این مقتضای اصل احترام به قراردادهای و اصل مقابله به‌مثل و عرف

بین‌المللی است. تاریخ روابط بین‌الملل به خوبی نشانگر اهتمام مسلمانان به امر سفارت و روابط دیپلماسی است. مسلمانان قرن‌ها زودتر از غربیان به تدوین حقوق دیپلماتیک و رعایت آن اهتمام ورزیده‌اند.



منابع و مأخذ

- قرآن کریم

- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.

- آقایی، بهمن، فرهنگ حقوقی بهمن، ۱۳۸۲ ش.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ۱۳۶۷ ش.

- حمیدالله، محمد، حقوق روابط بین المللی اسلامی، ترجمه مصطفی محقق داماد، تهران:

وزارت ارشاد، ۱۳۷۳ ش.

- حمیدالله، محمد، حقوق روابط بین الملل در اسلام، ترجمه سیدمصطفی محقق داماد، تهران:

نشر فرهنگ علوم اسلامی، ۱۳۹۰ ش.

- حمیدالله، محمد، حقوق روابط بین الملل در اسلام، ترجمه و تحقیق: سیدمصطفی محقق

داماد، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۳ ش.

- خلیلیان، سیدخلیل، حقوق بین الملل اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲ ش.

- دبیری، محمدرضا، استراتژی و تاکتیک در مذاکرات دیپلماتیک، تهران: دفتر مطالعات

سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۹ ش.

- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، ۱۳۹۱ ش.

- ذوالعین، پرویز، حقوق دیپلماتیک، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ دوم،

۱۳۸۴ ش.

- سرخسی، مبسوط، بی تا.

- سلیمی، عبدالحکیم، حقوق دیپلماتیک در اسلام، معرفت، ش ۱۳۴، ۱۳۸۷ ش.

- شب خیز، محمدرضا، اصول فقه دانشگاهی، قم: لقاء، چاپ اول، ۱۳۹۲ ش.

- صدر، جواد، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه

تهران، ۱۳۸۹ ش.

- صدر، جواد، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۶ ش.



- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۴ ش.
- عزیزی، آریا، حقوق دیپلماتیک در اسلام، فصلنامه علمی - حقوقی قانون‌یار، دوره چهارم، ۱۳۹۶ ش.
- عمیدزنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی؛ حقوق بین‌الملل اسلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷ ش.
- عمیدزنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی؛ حقوق تعهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام، ۱۳۹۴ ش.
- قاری سیدفاطمی، محمد، بررسی تطبیقی حقوق پناهندگی در فقه و اسناد بین‌المللی، نامه مفید، سال ۱، ش ۱، بهار ۱۳۷۴ ش.
- محمد ابوزهره، الجریمه، بیروت: دارالفکر العربی، بی تا.
- محمودی، محمدرضا؛ قانع، امیررضا؛ قمری فام، سجاد، اخلاق حرفه‌ای دیپلمات در منابع استنباط فقہی، گفتمان فقه و اصول، ش ۱، ۱۳۹۵ ش.
- مشکینی، میرزاعلی، اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها، قم: نشر الهادی، چاپ ششم، ۱۴۱۶ ق.
- مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم انسانی، ۱۳۸۷ ش.
- معین زاده، عباس، حقوق دیپلماتیک نوین، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۲ ش.
- مؤمنی، مهدی، مصونیت جزائی دیپلماتیک، معرفت، ش ۱۰۶، مهر ۱۳۸۵ ش.
- میری زاده، حسین، حقوق بین‌الملل در اسلام، تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.

1. Akehurst, michael: Amodern Introduction to International Law,6th ,ed ,London,unwinHyman. 1988.
2. B,sen: Diplomats, Handbooks of international law andpractice, 3, ed ,martinus -Nijhoff,1988.
3. BEN-ASHER: Human Rights meet diplomatic immunities: problems and possiblesolutions Harvard Law School, SJD Candidate, Harvard Law School; LL.M ,November 2000 M.Juris., Oxford; LL.B.
4. Dembinski, Ludwik: The modern Law of diplomacy, martinus, Nijhoff ,Netherlands, 1988.

